



## ضرب‌المثل‌های فارسی «ب»

«با آل علی هرکه در افتاد، ور افتاد.» ...

- «با آل علی هرکه در افتاد، ور افتاد.»
- «با اون زیون خوشت، با پول زیادت، یا با راه نزدیکت.»
- «با این ریش می‌خواهی بری تجریش؟»
- «با پا راه بری کفش پاره می‌شه، با سر کلاه.»
- «با خوردن سیر شدی با لیسیدن نمی‌شی.»
- «باد آورده را باد می‌برد.»
- «با دست پس می‌زنه، یا پا پیش می‌کشه.»
- «بادنجان بم آفت ندارد.»
- «بادمجان دور قاب چین.»
- «بارون آمد، ترک‌ها به هم رفت.»
- «بار کج به منزل نمی‌رسد.»
- «با رمال شاعر است، با شاعر رمال، با هر دو هیچکدام با هیچکدام هر دو.»
- «بازی اشکنک داره، سر شکستنک داره.»
- «بازی بازی، با ریش بابا هم بازی.»
- «با سیلی صورت خودشو سرخ نگه میداره.»
- «با کدخدا بساز، ده را بچاپ.»
- «با گرگ دنبه می‌خوره، با چوپان گریه می‌کنه.»
- «با مردم زمانه سلامی و والسلام.»
- «با نردبان به آسمون نمی‌شه رفت.»
- «با همین پرو پاچین، می‌خواهی بری چین و ماچین؟»
- «باید گذاشت در کوزه آبش را خورد.»
- «با یکدست دو هندوانه نمی‌شود برداشت.»
- «با یک گل بهار نمی‌شه.»
- «بینیم و تعریف کنیم.»
- «بچه سر پیری زنگوله پای تابوته.»
- «بچه سر راهی برداشتم پسرم بشه، شوهرم شد.»
- «بخور و بخواب کار منه، خدا نگهدار منه.»
- «بدبخت اگر مسجد آدینه بسازد// یا طاق فرود آید، یا قبله کج آید.»
- «بدهکار رو که رو بدی طلبکار می‌شه.»
- «برادران جنگ کنند، ابلهان باور کنند.»
- «برادری بجا، بزغاله یکی هفت‌صنار.»
- «برای شکار بچه‌ببر به مفاک ببر باید رفت.»
- «بر آن کدخدا زار باید گریست که دخلش بود نوزده خرج بیست»
- «برای کسی بمیر که برات تب کنه.»
- «برای یه دستمال قیصریه رو آتیش میزنه.»
- «بر عکس نهند نام زنگی کافور.»
- «برو کشکتو بساب.»
- «بز گر از سر چشمه آب می‌خوره.»
- «بعد از چهل سال گدایی، شب جمعه را گم کرده.»

«بعد از هفت کره، ادعای بکارت.»

«بگو نبین، چشممو هم می‌گذارم، بگو نشنو در گوشمو می‌گیرم، اما اگر بگی نفهمم، نمی‌تونم.»

«بگیر و ببند بده دست پهلوون.»

«بلبل هفت تا بچه میزازه، شیش تاش سیسکه، یکیش بلبل.»

«بمیر و بدم.»

«بنگر که چه می‌گوید، منگر که، که می‌گوید!»

«بوجار لنجونه از هر طرف باد بیاد، بادش میده.»

«به اشتهاى مردم نمی‌شود نان خورد.»

«به پهلول گفتند ریش تو بهتره یا دم سگ؟ گفت: اگر از پل جستم ریش من و گزنه دم سگ.»

«به جای شمع کافوری چراغ نفت می‌سوزد.»

«بهر خران چه کاه برند چه زعفران.»

«به درویشه گفتند بساطتو جمع کن، دستشو گذاشت در دهنش.»

«به دعای گربه کوره بارون نمیاد.»

«به روباهه گفتند: شاهدت کیه؟ گفت: دمیم.»

«به زیون خوش مار از سوراخ در میاد.»

«به شترمرغ گفتند: بار ببر، گفت: مرغم، گفتند: ببر، گفت: شترم.»

«به کچله گفتند: چرا زلف نمیزاری؟ گفت: من از این قرتی‌گری‌ها خوشم نمیاد.»

«به کک بنده که رقااص خداست.»

«به کیشی آمدند به فیشی رفتند.»

«به گاو و گوسفند کسی کاری نداره؟»

«به گربه گفتند: گهت درمونه، خاک پاشید روش.»

(به گنجشک گفتند منار تو کونت گفت به چیزی بگو بگنجه)

«به مالت ناز که به یک شب بنده، به حسنت ناز که به یک تب بنده.»

«به ماه میگه تو در نیا من در میام.»

«به مرغشان کیش نمی‌شه گفت.»

«به مرگ می‌گیره تا به تب راضی بشه.»

«به هرکجا که روی آسمان همین رنگه.»

«به یکی گفتند: بابات از گرسنگی مُرد. گفت: داشت و نخورد؟»